

از هنجار فرهنگی تا قانون (نزاع جریان‌های سیاسی بر سر مبانی هنجاری و جایگاه قانون در دوران مشروطه)

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۱۱/۱۷

تاریخ تأیید: ۱۳۹۷/۲/۲۹

صابر جعفری کافی آباد *

میثم مهدیار **



از هنجار فرهنگی تا قانون ...

نخستین قانون اساسی گرچه به طور رسمی به امضای شاه قاجار رسید، اما تنش‌های سیاسی و فرهنگی به دلیل اختلافات هنجاری میان جریان‌های سیاسی و فرهنگی مختلف در میان مردم و به‌ویژه نخبگان، دست‌نخورده باقی ماند. قانون، صرف نوشته‌های مصوب رسمی در مجلس و کتاب‌های حقوقی نیست؛ قانون، وجهی زیسته نیز دارد که خود را در هنجارها و ارزش‌های جامعه‌ای نشان می‌دهد که قرار است قانون بر آنها به کار بسته شود. در این پژوهش درصدد نشان دادن شکاف عمیق میان قانون روی کاغذ و قانون در معنای هنجارهایی هستیم که زندگی و حیات فکری دوران مشروطه را سامان می‌بخشید یا از سامان می‌انداخت. چهارده اثر از دوران مشروطه و از جریان‌های مختلف سیاسی انتخاب شده‌اند و بر اساس چارچوب مفهومی‌ای مرکب از نظریه‌های جامعه‌شناسی حقوق و جامعه‌شناسی سیاسی، به روش تحلیل محتوا مورد بررسی قرار گرفته‌اند. یافته‌ها حاکی از حاکمیت نوعی وضعیت آنومیک و نابهنجاری بر سر بنیان‌های ارزشی - هنجاری استقرار یا عدم استقرار قانون اساسی در آن دوران است. در چنین وضعیتی شکست جامعه در مستقر ساختن قانون به طور پیشینی پیش‌بینی پذیر بود.

کلیدواژه‌ها: مشروطه، قانون اساسی، چارچوب‌های رسمی قانون، قانون اساسی مجلس، ارزش‌های دموکراتیک، ارزش‌های اقتدارگرایانه.

* دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی نظری فرهنگی دانشگاه تهران (saberjafari65@gmail.com).

** دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی دانشگاه علامه طباطبائی (m.mahdyar@gmail.com).



۱. بیان مسئله

نخستین قانون اساسی ایران در سال ۱۲۸۵ ش / ۱۹۰۶ م به تصویب رسید. بحث‌های بنیادین و داغ پیش و پس از تصویب این قانون، نشان می‌دهد به‌رغم فراهم شدن برخی بنیان‌های ساختاری‌ای که دست‌کم به صورت رسمی و در قالب قانون استقرار یافتند، اجماع اجتماعی کافی بر سر حاکمیت قانون اساسی وجود نداشت. «تأسیس نظامی سیاسی، نشان‌دهنده نیاز به نوعی تصمیم‌گیری جمعی است که وظیفه چنین تصمیم‌گیری‌ای، موضع‌گیری برحسب ارزش‌ها و موضوعات قانونی‌ای است که برای مردم ذی‌نفع در این نظام اهمیت دارند» (Hydén, 2004: 24). نخستین قانون اساسی گرچه به طور رسمی به امضای شاه قاجار رسید، اما تنش‌های سیاسی و فرهنگی به دلیل اختلافات هنجاری میان جریان‌های سیاسی و فرهنگی مختلف در میان مردم و به‌ویژه نخبگان، دست‌نخورده باقی ماندند. در واقع می‌توان گفت به‌رغم وجود نوعی عزم جمعی بر تغییر، خاستگاه هنجاری - ارزشی این تغییر در جریان‌های سیاسی مختلف، متغیر بود. نکته قابل توجه آن است که در این مقاله، منظور از قانون و حاکمیت قانون، نه مواد و تبصره‌های محتوایی آن؛ بلکه آن ساختار و نظام سیاسی‌ای است که در دوره مشروطه ایران، به عنوان راه‌حل برون‌رفت از بسیاری از مشکلاتی در نظر گرفته می‌شد که گریبانگیر ایران آن زمان بود. تعارض‌ها و تقابلاتی را که به لحاظ محتوایی در قانون به معنای محض حقوقی آن وجود داشت، می‌توان در پژوهش مبسوط دیگری پی گرفت که امیدواریم در این پژوهش، مقدمات پرداختن به چنین بحثی را فراهم آوریم.

از آنجا که تمرکز ما در این مقاله، صرفاً بر یک نقطه تاریخی خاص (انقلاب مشروطه) نیست و می‌خواهیم دوران مشروطه را بررسی کنیم (حدود دو دهه قبل و یک دهه پس از تصویب انقلابی نخستین قانون اساسی و الزام شاه به امضای آن)، در طول این دوره، به ترتیب از دو چارچوب قانونی می‌توان سخن گفت: (۱) سلطنت اقتدارگرایانه و (۲) نوع خاصی از مجلس. می‌توان عام‌ترین مسئله‌ای را که می‌خواهیم به آن بپردازیم، بدین شکل صورت‌بندی کرد: چرا هیچ یک از این چارچوب‌های قانونی یادشده، نتوانستند شرایط اجتماعی پایداری را ایجاد و از آن حمایت کنند و اکثر اهداف قانون اساسی و دوران مشروطه محقق نشد؟

پاسخ قاطع به این پرسش، بسیار دشوار است و ارائه پاسخی جامع، محال می‌نماید. چارچوبی که برای بررسی این سؤال برگزیده‌ایم، دوجانبه است. اگرچه می‌خواهیم

رابطه و استناد علت مسئله یادشده را به واگرایی اصلاح‌ناپذیر جریان‌های نخبگانی آن زمان نشان دهیم، اما در این مسیر به ارزیابی درباره کلیت جامعه از منظر همین نخبگان بر اساس تعلقات هنجاری - ارزشی‌شان متوسل خواهیم شد. نخبگان (روشنفکران و عده‌ای از علما) در شکل دادن به فهم مردم از شرایط جدیدی که در عصر مشروطه با آن روبه‌رو بودند، نقشی حیاتی ایفا کردند. این جایگاه ویژه نخبگان، به دلیل ارتباط گسترده و در مواردی عمیق آنان با تمدن غرب و پرسش از ماهیت آن بود. تقریباً همه جریان‌های نخبگانی مؤثر اجتماعی، فارغ از وابستگی‌های سیاسی‌شان، از شرایط زمان خود ناراضی بودند و این از مهم‌ترین حقایق است که سعی داریم در این مقاله نشان دهیم. با مروری کوتاه بر ادبیات مکتوب آن دوره، می‌بینیم بیشتر تنش‌ها به بحث‌ها و استدلال‌های هنجاری مربوط می‌شود.

۲. پرسش‌های فرعی تحقیق

- چه جریان‌های اجتماعی نخبگانی‌ای در دوران مشروطه حاضر بودند؟
- نظام فکری - هنجاری مبتنی بر ارزش آنها چه بود؟
- درک و ارزیابی آنان از شرایط موجود برحسب نظام فکری هنجاری‌شان چگونه بود؟

۳. اهداف تحقیق

در این مقاله، ابتدا به معرفی جریان‌های فرهنگی - اجتماعی مؤثر در دوره مشروطه خواهیم پرداخت. در گام بعد، به منظور ترسیم نظام فکری هنجارین مبتنی بر ارزش آنها، به کاوش در باب بنیان‌ها و انتظارات ارزشی ایشان می‌پردازیم. بخش عمده کار ما به ارزیابی و درک این جریان‌ها از شرایط آن زمان مربوط می‌شود که البته چالش اصلی آن دوره، استقرار یا عدم استقرار قانون اساسی و پیامدهای آن بود. در نهایت نیز به اختلافات هنجاری مبتنی بر ارزش نظام‌های فکری در میان این جریان‌ها خواهیم پرداخت. اگر خواهیم تصویری عمومی و البته ساده‌شده و تقلیل‌یافته از مسئله ارائه دهیم، طرفین دعوا را می‌توان این‌گونه تصویر کرد: هنجارهای مدرن در برابر هنجارهای سنتی، هنجارهای دینی در برابر هنجارهای سکولار و در نهایت، هنجارهای اقتداری در برابر هنجارهای لیبرال/دموکراتیک، که ما به بیان این دوقطبی‌ها در چارچوب مفهومی می‌پردازیم. بیان رابطه «نظام فکری هنجارین مبتنی بر ارزش در جریان‌های گوناگون سیاسی نخبگانی» با «ارزیابی آنان از شرایط زمانه خود برحسب تعابیر هنجاری مبتنی بر ارزش»، ما را در رسیدن به این هدف یاری خواهد کرد.

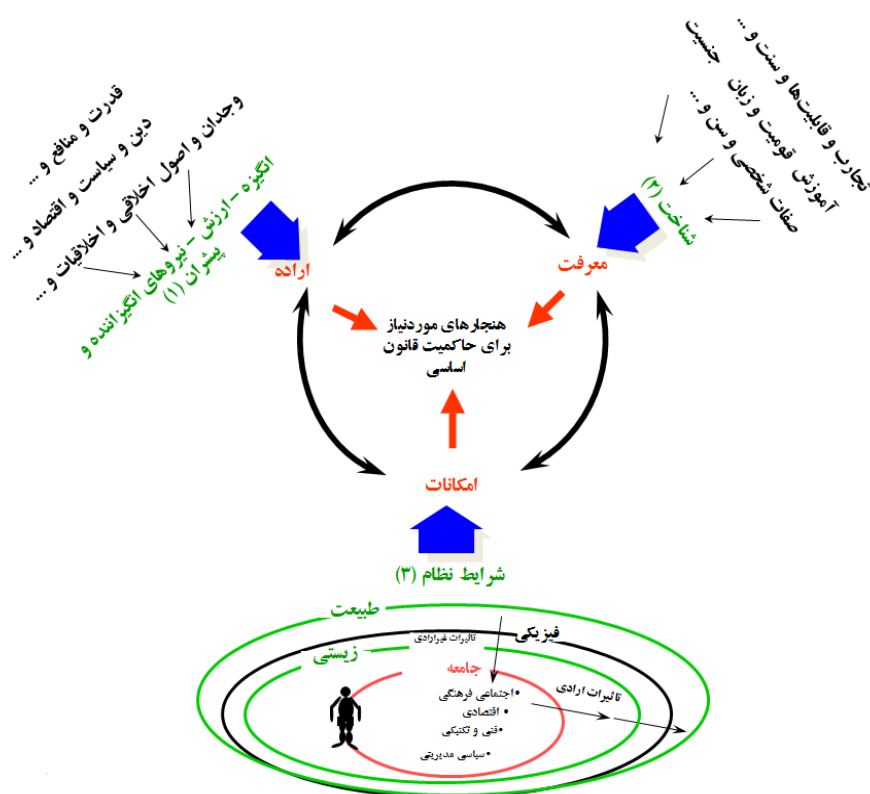




۴. ملاحظات نظری

در سیاست، با ارزش و ارزش گذاری مواجهیم. سیاست، انتخابی بین گزینه‌های مختلف و نیز موضوعی مربوط به مطلوبیت است؛ یعنی موضوعی برای ابراز اهداف فردی و اجتماعی. در این چارچوب، قانون چیزی دانسته می‌شود که جوزف اسر^۱، فیلسوف حقوق آلمانی، «ارزش‌های عملیاتی شده» می‌نامد و یک گام از خود سیاست به عمل نزدیک‌تر است. قانون در اجرای سیاست دخیل است و به اقداماتی جهت می‌دهد که از طریق مجموعه‌ای از شرایط ارزشی پدید آمده‌اند. با این حال آن گونه که دیده‌ایم، اجرای واقعی به موقعیت‌هایی بستگی دارد که بر اساس آنها حوزه اجتماعی لحاظ می‌گردد و البته تصمیم نهایی به هنجارهای تخصصی متداول وابسته است (Hydén, 2004: 83).

به نظر می‌رسد مدل هنجارها، زمینه مناسبی برای بیان دوباره پرسش این تحقیق فراهم آورد و به ما کمک کند تا فرضیه‌های عمومی را در سه محور صورت‌بندی کنیم.



شکل: ابعاد سه‌گانه فرایند ایجاد هنجار

1. Josef Esser.



(۱) به نظر می‌رسد یکی از دلایل عمده برای چنین موقعیتی (اینکه هیچ‌یک از چارچوب‌های حقوقی پیش‌گفته - پادشاهی اقتداری و مجلس تازه‌تأسیس - نتوانستند وضعیت اجتماعی پایداری پدید آورند و اکثر اهداف مشروطه تحقق نیافت) فقدان اجماع بر سر یک نظام هنجاری جامع و واحد بود. نکته بسیار مهمی که باید بدان توجه کرد، این است که فرض بر آن است که اقناع و گفت‌وگوی مسالمت‌آمیز میان منابع مختلف و اراده‌های جمعی جریان‌های مختلف سیاسی در خصوص بنیان‌های هنجاری - ارزشی مختلف وجود نداشت و اکثر اوقات یکی از جریان‌ها غالب می‌شد و بقیه باید از آن پیروی می‌کردند. پس می‌توان نتیجه گرفت گرچه در شرایط پایداری، بسیاری از جریان‌ها با بنیان‌های هنجاری مختلف می‌توانند در کنار یکدیگر وجود داشته باشند، ولی به صورت نظام‌مند تنها یکی از آنها می‌تواند غالب باشد؛ در غیر این صورت، ممکن است با ناهنجاری‌هایی مواجه شویم که تعادل نظام را بر هم می‌زنند. درباره چارچوب‌های قانونی دوره مشروطه به نظر می‌رسد از یک سو، رابطه آنها بر سر هنجارهای سیاسی - اجتماعی مبتنی بر بنیان‌های ارزشی متفاوت مخدوش شده بود و از سوی دیگر، هیچ‌یک از دو چارچوب قانونی رسمی، بنیان استواری برای اعمال غلبه یک‌سویه خود بر دیگری نداشت و این موضوع، خود به ناپایداری آن چارچوب‌های قانونی انجامید.

(۲) از نظر شرایط شناختی، در کنار همه عوامل پیش‌گفته، به نظر می‌رسد بی‌اطلاعی جدی‌ای در خصوص این مسئله وجود داشت که به واقع قانون اساسی چیست. به نظر می‌رسد این نقل قول از کسروی برای تبیین مورد دوم، یعنی شناخت، کفایت می‌کند:

صادقانه بگویم، علمای نجف و آن دو سید (رهبران مشروطه: سید محمد طباطبایی و سید عبدالله بهبهانی) و سایر علما که بر قانون اساسی پافشاری می‌کردند، هیچ ایده و فهم دقیقی از قانون اساسی و پیامدهای آن نداشتند (کسروی، ۱۳۳۰: ۲۸۷).

(۳) از نظر شرایطی که نظام سیاسی به لحاظ رسمی برای استقرار قانون اساسی فراهم کرد، می‌توان گفت دست کم حکومت، مجبور یا متقاعد شد در بادی امر قانون اساسی را تصویب کند و مجالس اول و دوم به صورت رسمی و ساختاری تشکیل شد.

۵. چارچوب مفهومی

چارچوب مفهومی به دنبال ارائه‌ی نمایی کلی از «نظام فکری هنجاری مبتنی بر ارزش» یک فرد یا گروه درباره «نظام سیاسی و شرایط اجتماعی» است.



این چارچوب مفهومی دو بعد عمده دارد. در بعد اول تلاش کرده‌ایم جنبه‌های متفاوت نظام سیاسی را که هر فرد یا گروهی می‌تواند درباره آن دیدگاه‌هایی داشته باشد، نظم و نسق بخشیم. این صورت‌بندی به ما کمک خواهد کرد تا تعابیر هنجاری مبتنی بر ارزش متفاوت نخبگانی را که به دنبال بیان مواضع خود بودند، تفکیک و قاعده‌مند کنیم.

در بعد دوم، الگوی دسته‌بندی عامی ناظر به هنجارها و ارزش‌ها را برای شناخت دو گونه عام تعابیر هنجاری مبتنی بر ارزش ارائه خواهیم داد: (۱) گونه دموکراتیک؛ (۲) گونه اقتدارگرایانه. در برخی موارد، هنجارها حول هسته‌ای از جهات کنش شکل می‌گیرند که با ارزش‌های بنیادین معینی همگرا و مرتبط هستند. در این موارد از «ایدئولوژی‌ها» سخن می‌گوییم (Hydén, 2004: 22).

در کنار الگوی ارائه‌شده در بعد دوم، جنبه‌ای دیگر را به چارچوب مفهومی افزوده‌ایم. جنبه اخیر را «ارزیابی شرایط موجود برحسب گزاره‌های هنجاری مبتنی بر ارزش» نام نهاده‌ایم. این بخش که استفاده تحلیلی و کاربردی دارد، می‌تواند به ما در نشان دادن شکاف میان آرمان‌شهرهای موجود در اذهان سوژه‌های مورد بررسی و ادراک انضمامی‌ای که ایشان از واقعیت اجتماعی آن زمان داشتند، یاری رساند.

الف) بُعد اول

چارچوب مفهومی مطالعه برای طبقه‌بندی تعابیر هنجاری مبتنی بر ارزش که نماینده نظام فکری هستند، عمدتاً از نظریات برآمده از کارهای آلموند و پاول درباره نظام سیاسی تشکیل شده است؛ اگرچه از آثار وربا، پای، اینگلهارت و دیگران نیز برای ارتقای قابلیت‌های چارچوب بهره برده‌ایم.

آلموند و پاول مدعی‌اند هر روش جامع برای ارزیابی دیدگاه‌های هر گروه یا فرد در خصوص نظام‌های سیاسی، باید دیدگاه‌های آنها را درباره سه سطح پوشش دهد: (۱) تمامیت نظام سیاسی؛ (۲) فرایندها؛ (۳) سیاست‌ها و برنامه‌های کلان (آلموند و پاول، ۱۳۷۵: ۲۶-۳۰).

به صورت کلی، در سطح اول باید ارزش‌های اساسی و نهادهای بنیادین نظام سیاسی را در نظر بگیریم؛ روشی که در آن، رهبران و سیاستمداران و نمایندگان و دیگر مسئولان رسمی باید با رأی مستقیم یا به صورت انتصابی انتخاب شوند تا مشروعیت داشته باشند؛ روشی که در آن مردم یا شهروندان باید نحوه عملکرد خود را تنظیم کنند تا مشروع شناخته شوند و ... در سطح دوم، باید تمایلات مردم برای ورود به فرایندهای اجتماعی و سیاسی را در نظر بگیریم: اعمال نیازها، حمایت از برخی گروه‌ها و مخالفت با دیگران،

انواع گوناگون ارتباطات سیاسی و

البته در چارچوب مفهومی طرح شده برای این تحقیق که در آن درصدد تجزیه و تحلیل «نظام فکری هنجاری مبتنی بر ارزش» نخبگان برحسب «تعايير و گزاره‌های هنجاری مبتنی بر ارزش» هستیم، این سطح را به دو قسمت تقسیم کرده‌ایم: (۱) فرایندهایی در سطح نخبگان؛ (۲) فرایندهایی در سطح مردم عادی (شهروندان). آن گونه که لوسین پای ابراز کرده است:

حتی در پایدارترین نظام‌ها و در میان ترکیب‌های جمعیتی متجانس نیز اختلاف آشکاری بین نخبگان و مردم عادی وجود دارد (پای و همکاران، ۱۳۸۰: ۱۶۱؛ پای، ۱۳۷۰: ۴۲).

در سطح سوم، مهم‌ترین عوامل، مسائلی همچون سیاست‌ها و برنامه‌ها هستند که از دولت انتظار می‌رود اهداف و چگونگی تحقق آنها را تعیین کند.

بدین ترتیب، بر اساس دیدگاه آلموند و پاول و با لحاظ تنظیماتی که ما در سطح دوم انجام داده‌ایم و آن را به دو بخش فرایندهای سطح نخبگانی و فرایندهای سطح مردم عادی تقسیم کرده‌ایم، می‌توان از چهار سطح نظام سیاسی سخن به میان آورد که در ارزیابی دیدگاه‌های هر گروه درباره نظام سیاسی باید لحاظ شوند: (۱) تمامیت نظام سیاسی؛ (۲) فرایندهای سطح نخبگانی (جایگاه، شرایط و نقش سیاسی نخبگان)؛ (۳) سیاست‌گذاری و برنامه‌های کلان؛ (۴) فرایندهای سطح مردم عادی (جایگاه، شرایط و نقش سیاسی مردم عادی).

ب) بُعد دوم

گیدنز در رهیافت سیاست‌های رهایی‌بخش خود تلاش دارد با شیوه دموکراسی بر اقتدارگرایی فایق آید. در واقع مخالفت با اقتدارگرایی، بخشی از تئوری گرایش به دموکراسی است (گیدنز، ۱۳۸۲: ۲۹۵). این سیاست معمولاً خواستار لغو استعمار، نابرابری و اقتدارگرایی است و بر اولویت اصول اساسی عدالت، برابری و مشارکت تأکید می‌ورزد (همو، ۱۳۷۸: ۲۹۸). گیدنز یکی از وجوه تلاش برای گسترش دموکراسی را، مقابله با اقتدارگرایی تعریف می‌کند و لیپست نیز دموکراسی و اقتدارگرایی را در برابر یکدیگر مطالعه می‌نماید. کسانی که نمره کمی از دموکراسی به دست می‌آورند، در مقابل به اقتدارگرایی گرایش بیشتری نشان می‌دهند (لیپست، ۱۳۸۳: ۵۴).

همان گونه که ملاحظه شد، دوگانه دموکراتیک/اقتداری، بنیاد مناسبی است که می‌توانیم بر اساس آن، «تعايير یا گزاره‌های هنجاری دموکراتیک» و «تعايير یا گزاره‌های



هنجاری استبدادی» را بسازیم. این دوگانه و طرفین آن به عنوان «نمونه‌های آرمانی»^۱ عمل می‌کنند. تعبیری که تحت هریک از طرفین این دوگانه قرار دارند، باید ماهیتی هنجاری داشته باشند و وضعیت مطلوب و ایدئال گوینده تعبیر را دربرگیرد. گرچه این‌گونه تعبیر هنجاری، ربطی به حقیقت و هست‌ها ندارند و صرفاً درباره بایدها از دیدگاه گوینده سخن می‌گویند، اما افزودن بخش «ارزیابی شرایط موجود برحسب تعبیر هنجاری مبتنی بر ارزش» به ما فرصت ارزیابی شرایط موجود (هست‌ها) را در ارتباط با نظام فکری هنجاری مبتنی بر ارزش (بایدها)ی گوینده می‌دهد. به عبارت دیگر، رابطه‌ای که هر کس با دوگانه بالا برقرار می‌کند، نظام هنجاری مطلوب وی را نشان می‌دهد و ارزیابی وی از شرایط کنونی، فهم وی را از نظام هنجاری موجود به دست می‌دهد.

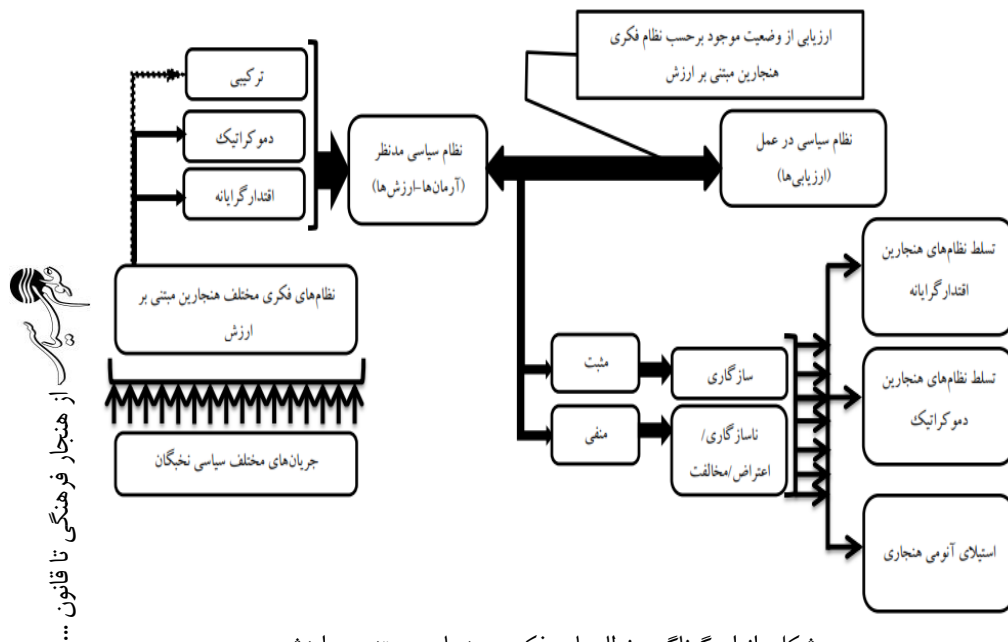
در اینجا نکته‌ای وجود دارد که باید مدنظر قرار گیرد. از نظرگاه ما در این مقاله، طرفین دوگانه بالا، رجحان هستی‌شناختی بر یکدیگر نداشته، صرفاً اعتبار تحلیلی دارند. مبتنی بر بحث آخر و با ضرب دو بعد چارچوب مفهومی در یکدیگر، می‌توان چارچوب مفهومی تحقیق حاضر را به صورت زیر تصویر و تشریح کرد. بر اساس این چارچوب مفهومی، در کنار بسیاری از اطلاعات جزئی دیگر درباره هر اثر، می‌توان به‌راحتی دو مطلب مدنظر این پژوهش را استنباط نمود.

وضع سیاسی مردم	سیاست‌ها و برنامه‌ها	نخبگان سیاسی	کلیت نظام سیاسی	سطوح نظام سیاسی		
				بنیان‌های ارزشی و ارزیابی هنجارهای آرمانی		
۱۹	۱۳	۷	۱	دموکراتیک	تعبیر هنجاری	
۲۰	۱۴	۸	۲	اقتدارگرایانه		
۲۱	۱۵	۹	۳	مثبت	بنیان	ارزیابی تعبیر
۲۲	۱۶	۱۰	۴	منفی	دموکراتیک (مشارکتی)	
۲۳	۱۷	۱۱	۵	مثبت	بنیان اقتداری	
۲۴	۱۸	۱۲	۶	منفی		

جدول: چارچوب مفهومی

1. ideal types.

اولاً، می‌توان «نظام فکری هنجاری مبتنی بر ارزش» حاکم بر هر اثر را از الگوی غالب دو ردیف اول چارچوب مفهومی گزاره‌های هنجاری استخراج کرد. منطقاً در قالب چارچوب مفهومی، می‌توان پیش‌بینی نمود که نظام‌های هنجاری عموماً خارج از سه شکل نباشند: دموکراتیک، استبدادی و ترکیبی از این دو.



شکل: انواع گوناگون نظام‌های فکری هنجاری مبتنی بر ارزش

نظام‌های فکری هنجاری مبتنی بر ارزش‌های دموکراتیک، با توجه به در نظر گرفتن یا نگرفتن جنبه فرایندهای ناظر به سطح مردم عادی، می‌توانند در داخل خود به دو قسم عمده تقسیم شوند: از این منظر، اگر فرایندهای مردم عادی در نظام فکری دموکراتیک نقش تعیین‌کننده‌ای نداشته باشند، باید «نظام فکری دموکراتیک نخبگانی» نام بگیرند و اگر این فرایندها به صورتی جدی در نظام فکری دموکراتیک لحاظ شوند، باید آنها را «نظام فکری دموکراتیک مردم‌محور» نام نهاد.

ثانیاً، ارزیابی شرایط موجود برحسب تعابیر هنجاری مبتنی بر ارزش، می‌تواند از طریق الگویی صورت‌بندی شود که بر چهار ستون بعدی ارزیابی تعابیر، غالب است. مقایسه الگوی حاکم بر دو ستون نخست و ارزیابی‌ای که از چهار ستون بعدی برمی‌آید، به ما کمک می‌کند از زاویه دید نخبگان مختلف، روابط بین نظام‌های فکری هنجاری آرمانی



مبتنی بر ارزش آنان را در عصر مشروطه، با هنجارهای عمومی مردم و جامعه معاصرشان فهم و کشف کنیم. ذکر این نکته ضروری است که هر تعبیر ناظر به ارزیابی، باید با یک تعبیر هنجاری مبتنی بر ارزش که نخبگان معرفی کرده‌اند و در دو ستون نخست نظام فکری هنجاری، تعلق ذهنی‌شان بدان ثبت شده است، مقایسه شود؛ یعنی اگر موقعیت هنجاری او در یک شاخصه دموکراتیک باشد، ارزیابی وی از شرایط جامعه با توجه به این شاخصه، باید در قالب آن موضع دموکراتیک صورت پذیرد. اگر تطابق قابل قبولی میان آنها وجود داشت، ارزیابی وی مثبت است؛ وگرنه منفی خواهد بود. این تحلیل در خصوص الگوی اقتداری نیز صادق است.

با ترکیب مؤلفه‌های مختلف جریان‌های اجتماعی، تصویری کلی از جامعه به دست می‌آید. بسته به قدرت مؤلفه‌های گوناگون جریان‌های اجتماعی، معمولاً یکی از شرایط زیر درک‌پذیر است: غلبه نظام‌های هنجاری اقتداری و غلبه نظام‌های هنجاری دموکراتیک یا استیلای آنومی و ناهنجاری. در وضعیت سوم، گفتمان غالبی در بنیان هنجاری جامعه وجود ندارد و می‌توان گفت چنین جامعه‌ای در حال گذار از وضعیت فعلی خود است و بسته به میزان توقف در چنین وضعیتی می‌توان درباره شاخص‌های آن جامعه سخن گفت.

۶. روش تحقیق

روش مورد استفاده در این تحقیق، تحلیل محتوای مضمونی است. در گام اول، تلاش کرده‌ایم با استفاده از کدگذاری باز، تمام مضامین مشخص متون منتخب را صورت‌بندی کنیم. البته خود را به این نوع کدگذاری محدود نکرده‌ایم، اما برای تفکیک میزان مشخص بودن مضامین و برای تعبیرپردازی مناسب آنها، همواره میان متون منتخب و چارچوب مفهومی در رفت و آمد بوده‌ایم. نیز لازم بود تعاریف عملیاتی و شاخصه‌های سطوح مختلف هر بعد چارچوب مفهومی مشخص شوند.

در گام بعد، به وسیله کدگذاری محوری و از طریق دو گام طبقه‌بندی و مقابله، کدهای اولیه را که از مضامین استخراج شده‌اند و شاخصه‌ها را نشان می‌دهند، در ۲۴ سلول چارچوب مفهومی جا داده‌ایم.

این امکان برای ما وجود ندارد که تمام کدهای عملیاتی و گام‌های طی شده را در این تحقیق ذکر کنیم، ولی در ادامه، مهم‌ترین مرحله عملیاتی ساختن سلول‌های چارچوب مفهومی را ارائه خواهیم کرد. جدول‌های بعدی، مرحله دوم طبقه‌بندی کدهای اولیه استخراج شده از متون منتخب را با استفاده از شاخصه‌های برآمده از ادبیات تحقیق نشان می‌دهد.

بنیان‌های ارزشی تعیین‌کننده هنجاری	بنیان‌های ارزشی مشارکتی	تعداد زیرمقوله‌ها	بنیان‌های ارزشی اقتداری	تعداد زیرمقوله‌ها	جنبه‌های مختلف «کلیت نظام سیاسی»
مبنای مشروعیت حکومت، رهبران، قوانین و سیاست‌ها	مردمی بودن و اتکا به مردم، انتخابی، شورایی	۴	مردم نقشی ندارند، انتصابی، انحصاری	۳	
تکالیفی که مبنای مشروعیت حکومت برعهده آن می‌گذارد	پاسخگویی، شفافیت، ممانعت از سوء استفاده، تأمین منافع و مصالح ملی	۴	حکومت هیچ تکلیفی در برابر مردم ندارد؛ دلخواهانه، تأمین منافع فرد یا گروه اقتدارگرا	۵	
قواعد حاکم بر مبادله میان شهروندان و اولیای امور	قانون اساسی، نظارت دوطرفه (بالا به پایین و پایین به بالا)، نهادهای نظارتی مستقل	۶	بر مبنای منافع و مصالح فرد یا گروه اقتدارگرا، نظارت صرفاً از بالا به پایین و یک‌طرفه، تنها فرد یا گروه اقتدارگرا حق نظارت دارد	۵	
رویکردهای کلی نظام برای بالا نگاه داشتن کارایی و ثبات نظام سیاسی	انعطاف‌پذیری، انطباق‌پذیری، ظرفیت پذیرش اصلاحات	۴	اصرار بر الگوهای موجود بدون هیچ‌گونه جرح و تعدیل، انحصارگرایی	۲	
توزیع قدرت، تقسیم کار سیاسی کلی نظام و ضرورت‌های آن	توزیع قدرت، تقسیم کار، هماهنگی منابع قدرت	۳	قدرت متمرکز، متابعت بی‌چون‌وچرای بخش‌های مختلف از اعمال یک‌جانبه قدرت	۱	

جدول: شاخصه‌های بنیان‌های ارزشی برحسب ابعاد مختلف کلیت نظام سیاسی



تعداد زیر مقوله‌ها	بنیان‌های ارزشی اقتداری	تعداد زیر مقوله‌ها	بنیان‌های ارزشی مشارکتی	بنیان‌های ارزشی تعابیر هنجاری جنبه‌های مختلف «فرآیندهای نظام سیاسی در سطح نخبگان»
۲	عدم تساهل، خودخواهی	۲	تساهل و مدارا، احترام متقابل	روابط درونی گروه‌ها و اشخاص
۲	متابعت از سطوح بالا، ملازمت و همراهی صرف، و تأیید بی‌چون و چرای وضعیت موجود و سیاست‌های نظام	۲	حق نظارت، اعتراض و اصلاح	تقاضاهای سیاسی
۸	صیانت از سلطه هژمونیک فرد یا گروه اقتدارگرا، دلبخواهانه، هدف وسیله را توجیه می‌کند	۸	نقش‌های انسجام‌بخشی، آموزشی، مدیتریتی، ارتباطی، رفتار مسئولانه، تعهد و پیروی از قواعد مشروع	حمایت‌های سیاسی
۶	نگاه ابزاری به مردم، نگاه غیرمنطقی و جبری به عرصه سیاست، نزدیکی به منابع متمرکز قدرت و جلب حمایت آنها، روحیه فردگرایانه، عدم‌باور به خرد جمعی و عدم پاسخگویی و بی‌توجهی به مردم	۶	صداقت با مردم، نگاه منطقی و آگاهانه به عرصه سیاست، شایستگی، روحیه جمع‌گرایانه، باور به خرد جمعی و پاسخگویی به مردم	شرایط عمومی برای مشارکت در سطح نخبگان نظام سیاسی

جدول: شاخصه‌های بنیان‌های ارزشی برحسب جنبه‌های مختلف فرایندهای نظام سیاسی در سطح نخبگان (جایگاه، وضعیت و نقش‌های سیاسی)

تعداد زیر مقوله‌ها	بنیان‌های ارزشی اقتداری	تعداد زیر مقوله‌ها	بنیان‌های ارزشی مشارکتی	بنیان‌های ارزشی تعابیر هنجاری جنبه‌های مختلف «سیاست‌ها و برنامه‌ها»
۱	در سیاست‌ها و برنامه‌ها، اصل بر تأمین و تثبیت مصالح و منافع فرد یا گروه اقتدارگراست و در صورت لزوم حقوق اجتماعی و مدنی مردم نیز در این راه هزینه می‌شوند.	۴	رفاه، امنیت، مشارکت، عدالت اجتماعی و ...	شناسایی اولویت‌ها در تأمین حقوق اجتماعی
۱	سیاست‌های کلی نظام سیاسی بر مبنای تأمین مصالح و منافع فرد یا گروه اقتدارگرا تنظیم می‌گردند.	۳	آزادی دین، عقیده، بیان، قلم، اجتماعات و ...	شناسایی اولویت‌ها در تأمین حقوق مدنی
۵	سیاست‌های کلی نظام سیاسی بر مبنای تأمین مصالح و منافع فرد یا گروه اقتدارگرا تنظیم می‌گردند.	۵	توسعه و پیشرفت فرهنگی، سیاسی، اقتصادی (عرصه ملی و بین‌المللی)	سیاست‌ها و برنامه‌های (خرد و کلان) برای پیشرفت کلی نظام سیاسی

جدول: شاخصه‌های بنیان‌های ارزشی برحسب جنبه‌های مختلف سیاست‌ها و برنامه‌ها

تعداد زیر مقوله‌ها	بنیان‌های ارزشی اقتداری	تعداد زیر مقوله‌ها	بنیان‌های ارزشی مشارکتی	بنیان‌های ارزشی تعابیر هنجاری جنبه‌های مختلف «وضعیت سیاسی مردم»
۲	عدم تساهل، خودخواهانه	۲	تساهل و مدارا، احترام متقابل و دگرخواهانه	روابط درونی مردم با یکدیگر
۴	انفعال، بی‌تفاوتی، متابعت و تأیید و پذیرش بی‌چون‌وچرای سیاست‌های نظام سیاسی	۴	بهره‌مندی از حقوق و آزادی‌های مشروع، حق نظارت، اعتراض و اصلاح	تقاضاهای سیاسی
۳	نقش‌های حمایتی مردم در حفظ و تأمین منافع و مصالح فرد یا گروه اقتدارگرا تعریف می‌شود، رفتار غیرمسئولانه	۳	پایبندی به وحدت سیاسی - اجتماعی، دفاع از منافع ملی در برابر بیگانگان، رفتار مسئولانه	حمایت‌های سیاسی
۴	روحیه فردگرایانه، عدم احساس کارایی و آگاهی پایین، رفتار قضا و قدری و جبرگرایانه	۴	روحیه جمع‌گرایانه، احساس کارایی و آگاهی بالا، رفتار منطقی و ارادی	تمایلات کلی مقوم مشارکت یا مانع مشارکت

جدول: شاخصه‌های بنیان‌های ارزشی برحسب جنبه‌های مختلف تمایلات فرایندی و وضعیت

سیاسی مردم

۷. نمونه‌گیری

از آنچه تاکنون گفته شد، به این نتیجه می‌رسیم که به عنوان یک کار اولیه، باید تصویری

جامع و در عین حال مفصل از جریان‌های نخبگانی آن زمان به دست آوریم. جامعه و نحوه ساختاریابی آن، می‌تواند ارزش‌ها و افراد حاضر در شبکه درهم‌تنیده انسانی را تشخیص بخشد و آن را تقویت کند (Hydén, 2004: 5). از آنجا که دسترسی مستقیم به آن نخبگان نیست، تنها راه ارتباط با افکار ایشان، در قالب گزاره‌ها و اسناد ثبت‌شده (کتاب‌ها، رساله‌ها، اعلامیه‌ها، نامه‌ها، مانیفست‌ها و ...) است.

برای رسیدن به تصویری جامع از نخبگان عصر مشروطه (به عنوان جریان اصلی) که به اندازه کافی تفصیلی باشد، تقریباً تمام تحقیقات شناخته‌شده و دسته‌بندی‌های برجسته‌ای را که از سوی پژوهشگران مختلف صورت گرفته است، مطالعه و نتایج را در جدول زیر ذکر کرده‌ایم:

اختلافات	رویکرد کلی در تقسیم‌بندی نخبگان دوران مشروطه		مؤلفان بررسی شده
<p>۱. به‌رغم وحدت رویه کلی در تقسیم‌بندی، این نویسندگان از تعابیر مختلفی در عنوان‌بندی تقسیم‌بندی‌هایشان استفاده کرده‌اند.</p> <p>۲. سیدمیرصالح حسینی جبلی با رویکرد و معیاری متفاوت، روشنفکران را به سه گروه (الف) جریان دیپلمات‌های سیاسی؛ (ب) جریان فرهنگی و (ج) جریان سیاسی - فرهنگی تقسیم کرده و درباره علما نیز از علمایی که سیاست سکوت را برگزیدند، به عنوان گونه‌ای متمایز نام برده است.</p> <p>۳. نوروز هاشم‌زهی به علمای سنتی اشاره‌ای نداشته است.</p> <p>۴. ناصرجمالزاده صرفاً به بررسی علمای شیعه پرداخته است.</p> <p>۵. شهریار زرشناس صرفاً به بررسی روشنفکران پرداخته است.</p>	سازگار	روشنفکران	<p>سیدمیرصالح حسینی جبلی، لطف‌الله آجودانی، نوروز هاشم‌زهی، ناصر جمالزاده و شهریار زرشناس</p>
	ناسازگار		
	سنتی	علمای شیعه	
	مشروطه‌خواه		
	مشروطه‌خواه		





<p>۱. مظفر نامدار هرچند «مشروطه» و «مشروع» را مبنای تقسیم‌بندی خود قرار داده، با مقید ساختن این دو نوع به قید «مطلق»، از گونه‌سومی به نام «مشروطه مشروع» نیز نام می‌برد.</p> <p>۲. سعید حجاریان با تعبیری متفاوت، همان رویکرد نامدار را دارد.</p>	<p>مشروطه‌خواهان</p> <p>مشروع‌خواهان</p>	<p>ت: ۱۳۹۰</p>	<p>غلامحسین زرگری نژاد، سعید حجاریان و مظفر نامدار</p>
<p>با صرف نظر از اختلافات جزئی، تقریباً در تقسیم‌بندی یادشده حتی تعبیر به کار برده شده یکسان هستند.</p>	<p>جریان استبداد</p> <p>جریان روشنفکران غرب‌گرا و انجمن‌های سری و فراماسونری</p> <p>جریان مشروطه‌خواهان مذهبی علمای نجف و ایران</p> <p>جریان مشروع‌خواه</p>	<p>ت: ۱۳۹۰</p>	<p>موسی نجفی، محمدصادق مزینانی و علی‌نقی ذبیح‌زاده</p>
<p>۱. علیرضا تاجداری «نیروی بسومی‌گرای مقاومت: شیخ فضل‌الله نوری و هوادارانش» را نیز در این تقسیم‌بندی ادغام می‌کند.</p> <p>۲. شمس‌الله مریجی «نیروی ملی‌گرا» را نیز در این تقسیم‌بندی ادغام می‌نماید.</p>	<p>نیروی غرب‌گرای آزادی‌خواه: حزب اجتماعیون - اعتدالیون</p> <p>نیروی غرب‌گرای عدالت‌خواه: حزب دموکرات ایران</p>	<p>ت: ۱۳۹۰</p>	<p>علیرضا تاجداری، محمدتقی بهار و شمس‌الله مریجی</p>

جدول: طبقه‌بندی تقسیم‌بندی‌های انجام‌شده از نخبگان دوران مشروطه بر اساس اشتراکات و

اختلافات

در این پژوهش با ارائه دسته‌بندی کلی از علما و روشنفکران دوران مشروطه ذیل پنج شاخه اصلی، به فراخور اهمیت و تعداد متون در دسترس از نخبگان هر جریان، به طور هدفمند، آثاری برای تحلیل محتوا انتخاب گردید که در ادامه می‌آید. مطالعات انجام‌شده (نک: حسینی جلی، ۱۳۹۰؛ آجدانی، ۱۳۸۳؛ هاشم‌زهی، ۱۳۸۶؛ مریجی، ۱۳۸۶؛ جمال‌زاده، ۱۳۷۷ الف؛ جمال‌زاده، ۱۳۷۷ ب؛ نامدار، ۱۳۸۳؛ زرگری‌نژاد، ۱۳۹۰)، نخبگان دوره مشروطه را به گروه‌های زیر تقسیم‌بندی می‌کنند که ما از آن بهره خواهیم برد:



الف) نخبگان مذهبی (علمای شیعه)

نخبگان مذهبی (علمای شیعه) در دوران مشروطه به سه شاخه اصلی «مشروطه‌خواه»، «مشروطه مشروعه‌خواه» و «سنتی» تقسیم شده‌اند. در میان جریان‌شناسی‌های مختلفی که از نخبگان و علمای دوران مشروطه صورت پذیرفته، اتفاق نظر قابل قبولی نیز روی این تقسیم‌بندی وجود دارد، که ما هم از آن پیروی می‌کنیم و به طور خلاصه به آن می‌پردازیم:

(۱) علمای سنتی

این دسته از علما، کسانی بودند که به مفید بودن مشروطه با دیده شک می‌نگریستند و آن را رد می‌کردند. از مشهورترین شخصیت‌هایی که در تحلیل‌های مختلف به این گروه از علما منتسب می‌شوند، حاج شیخ ابوالحسن نجفی مرنندی و محمدحسین بن علی‌اکبر تبریزی هستند (آجدانی، ۱۳۸۳: ۳۹؛ جمال‌زاده، ۱۳۷۷الف: ۶۰-۵۹). از آثار مکتوب متعلق به این جریان، می‌توان به رساله‌های *دلایل براهین الفرقان فی بطلان قوانین نواسخ محکومات القرآن* نوشته مرنندی و *کشف المراد من المشروطه و الاستبداد* نوشته تبریزی اشاره کرد (آجدانی، ۱۳۸۳: ۴۲-۴۰) که در این پژوهش، هر دوی این رساله‌ها تحلیل محتوایی خواهند شد.

(۲) علمای مشروطه‌خواه

این علما، مشروطه را برای کنترل سلطنت مناسب و کافی، و آن را مطابق با اسلام می‌دانستند. آنها منافاتی میان مشروطه و مبانی اسلامی نمی‌یافتند و به مقید کردن آن نیازی نمی‌دیدند. آخوند خراسانی، ملاعبدالله مازندرانی، میرزا حسین نائینی، سید عبدالله بهبهانی، سید محمد طباطبایی، حاج آقا نورالله اصفهانی، آقانجفی اصفهانی، محمداسماعیل غروی محلاتی، حاج سید نصرالله تقوی اخوی، ملا عبدالرسول کاشانی، عمادالعلماء خلخالی، سید عبدالحسین لاری، میرزا یوسف شمس‌الافاضل خراسانی معروف به ترشیزی، ثقه‌الاسلام تبریزی و سید جمال‌الدین اسدآبادی در شمار این افرادند (حسینی جلی، ۱۳۹۰: ۱۷۷؛ آجدانی، ۱۳۸۳: ۵۶-۴۳؛ مزینانی، ۱۳۸۹: ۴۹؛ ذبیح‌زاده، ۱۳۸۲؛ جمال‌زاده، ۱۳۷۷الف: ۶۰-۶۱؛ نامدار، ۱۳۸۳: ۱۱۱). آثار منتخب از این جریان بدین قرار است: *تنبيه الامه و تنزيه الامه* نوشته میرزای نائینی، *رساله انصافیه* نوشته ملا عبدالرسول کاشانی، *رساله مکالمات حاجی مقیم و مسافر* نوشته روح‌الله نجفی اصفهانی، *الثالی المربوطه فی وجوب المشروطه*

نوشته محمداسماعیل غروی محلاتی و عروة الوثقی نوشته سید جمال‌الدین اسدآبادی.

(۳) علمای مشروطه مشروعه‌خواه

این جریان، مفید بودن ابزار مشروطه را برای کنترل قدرت سلطنت قبول داشت؛ ولی به پیشنهاددهندگان مشروطه و عاملان آن، یعنی تحصیلکردگان و روشنفکران غربی اعتماد نداشت و تأکید می‌کرد مشروطه باید پسوند «مشروعه» داشته باشد تا التزام آنان به دین ثابت شود. رهبران جریان مشروطه مشروعه را شیخ فضل‌الله نوری و در کنار وی آخوند زنجانی و حاجی خمami (قمami) تشکیل می‌دهند (مزینانی، ۱۳۸۹: ۲۶؛ نجفی، ۱۳۸۰: ۱۱۲). در مقایسه با جریان مشروطه‌خواه، آثار مکتوب کمتری از این جریان در دسترس است که بدین قرار می‌باشد: رساله تذکرة الغافل و ارشاد الجاهل نوشته آیت‌الله حاجی میرزا ابوتراب شهیدی قزوینی، رساله حرمت مشروطه نوشته شیخ فضل‌الله نوری و لوائح آقا شیخ فضل‌الله نوری نوشته نویسندگان مختلف متعلق به جریان مشروطه مشروعه‌خواه.

(ب) روشنفکران

برخلاف نخبگان مذهبی، اختلاف کمتری در آرای روشنفکران درباره مشروطه وجود دارد؛ ولی در عین حال، می‌توان میان دو نوع از روشنفکران «سازگار» و «ناسازگار» تمایز جدی قایل شد که در اغلب بررسی‌ها نیز با عناوین و صورت‌بندی‌های مختلف بدانها اشاره شده است (حسینی جبلی، ۱۳۹۰؛ هاشم‌زهی، ۱۳۸۶؛ مریجی، ۱۳۸۶؛ آجدانی، ۱۳۸۶؛ بهار، ۱۳۷۸؛ جمال‌زاده، ۱۳۷۷ب؛ نامدار، ۱۳۸۳؛ زرشناس، ۱۳۸۳؛ تاجداری، ۱۳۸۶).

(۱) روشنفکران سازگار

این گرایش از روشنفکران، به اندیشه‌های مشروطه‌گری رنگ اسلامی می‌زد تا با شرایط و فرهنگ جامعه سازگار شود. در این جریان، معنای واقعی مشروطه‌گری غربی پنهان نگاه داشته شده، در مواردی مشروطه و اسلام یکی معرفی می‌شد. شخصیت‌هایی چون میرزا ملکم خان ناظم‌الدوله در دوره دوم فکری خود و میرزا یوسف‌خان مستشارالدوله در این جریان قرار می‌گیرند (آجدانی، ۱۳۸۶: ۱۱۶). آثار منتخب این جریان بدین قرار است: یک کلمه نوشته میرزا یوسف خان مستشارالدوله و روزنامه قانون حاوی نوشته‌های میرزا ملکم خان ناظم‌الدوله (از آثار مربوط به دوره دوم فکری او).



(۲) روشنفکری ناسازگار

روشنفکران متعلق به این جریان، به استثنای طالبوف که کمتر خود را ضداسلام نشان می‌داد، صریحاً با آموزه‌های مذهبی مخالف بودند و دین و مذهب را، مهم‌ترین مانع پیشرفت برمی‌شمردند. برخلاف مصلحت‌اندیشی‌های جریان اول، شاخص‌های مختلف اندیشه سکولار را به‌روشنی می‌توان در آرای این اندیشمندان ردیابی کرد. شخصیت‌هایی چون میرزا ملکم خان در دوره اول فکری خود، فتحعلی آخوندزاده، میرزا آقاخان کرمانی و طالبوف را می‌توان برجسته‌ترین نخبگان فکری این جریان دانست که صاحب نوشته‌های اثرگذاری بودند. آثار زیر برای بررسی آرای این گروه انتخاب شد: *مکتوبات کمال‌الدوله* نوشته فتحعلی آخوندزاده و *مکتوب یا سه مکتوب* نوشته میرزا آقاخان کرمانی.

بدین ترتیب، در مجموع چهارده متن (ده متن متعلق به علمای شیعه و چهار متن متعلق به روشنفکران) به عنوان نمونه هدفمند برای تحلیل محتوای مضمونی تحقیق انتخاب گردید.

۱. یافته‌های پژوهش

از آنجا که با توجه به محدودیت مقاله، آوردن تجزیه و تحلیل هر چهارده رساله امکان‌پذیر نبود، از هر جریان یک مورد را از باب نمونه برمی‌گزینیم. البته باید توجه داشت که الگوی هر مورد از یک جریان، با موارد دیگر آن تا حدود زیادی مشابه است و به همین دلیل می‌توان با همان یک نمونه، شناخت اجمالی خوبی از آن جریان به دست آورد.

الف) علمای سنتی

نتایج مربوط به رساله دلایل البراهین الفرقان فی بطلان قوانین نواسخ محکومات القرآن در جدول زیر آمده است:

مجموع	وضع سیاسی مردم	سیاست‌ها و برنامه‌ها	نخبگان سیاسی	کلیت نظام سیاسی	سطوح نظام سیاسی	
					بنیان‌های ارزشی و ارزیابی هنجارهای آرمانی	تعمیر هنجاری
۲۵	۸	۲	۹	۶	دموکراتیک	تعمیر هنجاری
۱۰,۸٪	۳,۴٪	۰,۸٪	۳,۸٪	۲,۶٪		
۲۰۶	۱۲	۶	۲۲	۱۶۶	اقتدارگرایان	
۸۹,۱٪	۵,۱٪	۲,۵٪	۹,۵٪	۷۱,۸٪	۰	



۰	۰	۰	۰	۰	مثبت	بنیان دموکرا	ارزیابانه تعبیر (کتی)
۰٪	۰٪	۰٪	۰٪	۰٪		تیک	
۲۶	۲	۵	۱۴	۵	منفی	(مشار	
۲۱,۱٪	۱,۶٪	۴٪	۱۱,۳٪	۴٪		کتی)	
۰	۰	۰	۰	۰	مثبت	بنیان	
۰٪	۰٪	۰٪	۰٪	۰٪		اقتدار	
۹۷	۰	۱	۸	۸۸	منفی	ی	
۷۸,۸٪	۰٪	۰,۸٪	۶,۵٪	۷۱,۵٪			
۳۵۴	۲۲	۱۴	۵۴	۲۶۵	مجموع		
۱۰۰٪	۶,۲٪	۳,۹٪	۱۵,۲٪	۷۴,۸٪			

از هنجار فرهنگی تا قانون ...

همان گونه که از جدول برمی آید، قسمت اصلی و عمده گزاره‌های هنجاری که شیخ ابوالحسن مرندی نجفی دولت‌آبادی در رساله‌اش عنوان کرده (بیش از ۸۹/۱٪ گزاره‌های او)، تحت ارزش‌های اقتداری دسته‌بندی شده‌اند. اگرچه تعبیر دیگری نیز وجود دارد که تحت ارزش‌های دموکراتیک دسته‌بندی گردیده (۱۰/۸٪)، اما الگوی اقتداری به طرز ثابت و تقریباً استواری بر دیدگاه‌های مرندی در میان چهار جنبه نظام سیاسی، غالب است؛ از این رو، با تخمین مناسبی می‌توان گفت نظام فکری هنجاری مرندی بر ارزش‌های اقتداری مبتنی است.

در گام بعد، نتایج نشان می‌دهد تمام ارزیابی‌های مرندی، فارغ از بنیان‌های ارزشی‌شان منفی هستند. این وضعیت و این‌گونه ارزیابی از شرایط جامعه از سوی مرندی، نارضایتی وی و فاصله میان آرمان‌شهر ذهنی او و شرایط موجود را در واقعیت و جامعه نشان می‌دهد. از این نظر می‌توان موضع انتقادی او را در خصوص شرایط موجود استخراج کرد؛ فارغ از اینکه ارزیابی‌های وی در مغایرت با ارزش‌های اقتداری است (۷۸/۸٪) یا در موارد اندک، در تضاد با ارزش‌های دموکراتیک است (۲۱/۲٪).

در برهان دوم رساله دلایل البراهین الفرقان فی بطلان القوانين نواسخ محکّمات القرآن که در مذمت قانون‌گذاری و بدعت شمردن آن تنظیم شده است، می‌توان به بهترین شکل رویکرد هنجاری این جریان را درباره قانون مشاهده کرد. به نظر مرندی، هر آنچه بشر «تا روز قیامت احتیاج داشته و خواهد داشت، خداوند تعالی وقتی که این مذهب اسلام را ناسخ مذهب قرار می‌داد و تا قیامت بقای آن را می‌خواست و پیغمبر ما را خاتم پیغمبران می‌فرمود، البته بایستی تماماً به ما فرموده و دستور داده باشد و چیزی فروگذار

نکرده باشد» (نجفی مرندی، ۱۳۹۰، ج: ۱، ۳۷۳). با توجه به چنین رویکردی، وی هر گونه تلاش برای صورت‌بندی قواعدی که داعیه انتظام امور را در قالب «اقتضائات زمانه» داشته باشد، «نسخ و تبدیل احکام و مقررات شرع مقدس و خصومت با دین اسلام» (همان: ۳۷۵) می‌داند و کسانی را که به دنبال چنین تغییراتی هستند، افرادی برمی‌شمارد که «هر روز مخالفت تازه‌ای ظاهر ساخته، در مملکتی که قرآن حکم فرماست، به اختراع قانون پرداخته، مقررات الهیه را نسخ و متروک می‌گذارند» (همان).

(ب) علمای مشروطه‌خواه

جدول زیر به بررسی فراوانی‌های رساله‌/انصافیه ملا عبدالرسول کاشانی پرداخته است.

مجموع	وضع سیاسی مردم	سیاست‌ها و برنامه‌ها	نخبگان سیاسی	کلیت نظام سیاسی	سطوح نظام سیاسی	
					بنیان‌های ارزشی و ارزیابی هنجارهای آرمانی	
۲۶۷ ۱۰۰٪	۳۰ ۱۱,۲٪	۶۱ ۲۲,۸٪	۷۱ ۲۶,۵٪	۱۰۵ ۳۹,۳٪	دموکراتیک	تعمیر هنجاری
					اقتدارگرایانه	
۰ ۰٪	۰ ۰٪	۰ ۰٪	۰ ۰٪	۰ ۰٪	مثبت	تعمیر ارزیابانه
۱۰۴ ۱۰۰٪	۳۳ ۳۱,۷٪	۱۵ ۱۴,۴٪	۱۹ ۱۸,۲٪	۳۷ ۳۵,۵٪	منفی	
۰ ۰٪	۰ ۰٪	۰ ۰٪	۰ ۰٪	۰ ۰٪	مثبت	بنیان اقتداری
۰ ۰٪	۰ ۰٪	۰ ۰٪	۰ ۰٪	۰ ۰٪	منفی	
۳۷۱ ۱۰۰٪	۶۶ ۱۷,۷٪	۷۶ ۲۰,۴٪	۹۰ ۲۴,۲٪	۱۴۲ ۳۸,۲٪	مجموع	



همان گونه که نتایج نشان می‌دهد، تمام تعابیر هنجاری کاشانی در رساله‌اش، تحت عنوان ارزش‌های دموکراتیک قرار داده می‌شوند. همین‌الگو به گونه‌ای ثابت و تقریباً یک میزان بر همه دیدگاه‌های وی دربارهٔ چهار جنبهٔ نظام سیاسی غالب است؛ از این‌رو، با قطعیت می‌توان گفت نظام فکری هنجاری او بر ارزش‌های دموکراتیک مبتنی است.

نتایج نشان می‌دهد مطلق ارزیابی‌های کاشانی برحسب بنیان‌های ارزشی دموکراتیک وی منفی هستند. این وضعیت و این‌گونه ارزیابی از شرایط جامعه از سوی کاشانی، نارضایتی او و شکاف میان آرمان شهر ذهنی وی را که جامعه‌ای کاملاً دموکراتیک است، با واقعیات موجود جامعه آن زمان که طبق نظر وی کاملاً استبدادی است، نشان می‌دهد. ناسازگاری مطلق ارزیابی وی با بنیان‌های ارزشی دموکراتیک او، موضع اعتراضی وی را در خصوص شرایط موجود جامعه نشان می‌دهد.

بخش‌هایی از رساله ملا عبدالرسول کاشانی به‌خوبی از موضع هنجاری این جریان در برابر قانون پرده‌برداری می‌کند. مقدمه رساله وی با شرافت انسان بر حیوان که به «آزادی» انسانی منوط است، آغاز می‌گردد. کاشانی حدود این آزادی را بنا بر موافقت عقل، قانون معرفی می‌کند؛ اما درباره اینکه چه قانونی را مدنظر خویش دارد، این‌گونه اقرار می‌کند: «اشهد الله قوانینی از قوانین محمدی صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ کامل‌تر، کافی‌تر، پاک‌تر و جامع‌تر معقول نیست» (کاشانی، ۱۳۹۰، ج ۲: ۵۴۴). او با همین معیار، از دستاوردهای غربیان در دستیابی به دستورالعملی مدوّن برای تنظیم روابط حقوقی و اجتماعی‌شان تمجید می‌کند. کاشانی با استفهامی این امر را این‌گونه مطرح می‌سازد:

در این مدت مدید که پارلمنت‌های دولت‌های متمدنه زحمت‌ها کشیدند، قوانین وضع کردند [و] ناسخ و منسوخ هم داشتند، [آیا] از قوانین شریعت ما تجاوز کردند یا نه؟ (همان). سپس این‌گونه به این پرسش پاسخ می‌دهد: «بلکه هر قانونی از آنها وقتی به صحت پیوست که موافق با قانون‌های ما شد» (همان).

ج) علمای مشروعه‌خواه

جدول نتایج مربوط به تذکرة الغافل و ارشاد الجاهل شهیدی قزوینی در زیر آمده است:





مجموع	وضع سیاسی مردم	سیاست‌ها و برنامه‌ها	نخبگان سیاسی	کلیت نظام سیاسی	سطوح نظام سیاسی	
					بنیان‌های ارزشی و ارزیابی هنجارهای آرمانی	
۱۵ ۱۳,۸٪	۶ ۵,۵٪	۴ ۳,۷٪	۳ ۲,۷٪	۲ ۱,۸٪	دموکراتیک	تعمیر هنجاری
۹۳ ۸۶,۱٪	۰ ۰٪	۲۰ ۱۸,۵٪	۱۵ ۱۳,۸٪	۶۸ ۶۲,۹٪	اقتدارگرایانه	
۰ ۰٪	۰ ۰٪	۰ ۰٪	۰ ۰٪	۰ ۰٪	مثبت	تعمیر ارزیابانه
۱۶ ۳۰,۱٪	۱ ۱,۸٪	۵ ۹,۴٪	۶ ۱۱,۳٪	۴ ۷,۵٪	منفی	
۰ ۰٪	۰ ۰٪	۰ ۰٪	۰ ۰٪	۰ ۰٪	مثبت	
۳۷ ۶۹,۸٪	۰ ۰٪	۱۴ ۲۶,۴٪	۰ ۰٪	۲۳ ۴۳,۳٪	منفی	
۱۶۱ ۱۰۰٪	۷ ۴,۳٪	۴۳ ۲۶,۷٪	۲۴ ۱۴,۹٪	۹۷ ۶۰,۲٪	مجموع	

آن گونه که از جدول برمی آید، بخش عمده تعابیر هنجاری قزوینی در رساله‌اش (بیش از ۸۶/۱٪) تحت عنوان ارزش‌های اقتداری دسته‌بندی می‌شود و اندک تعابیری نیز وجود دارد که تحت عنوان دموکراتیک قرار می‌گیرد (۱۳/۸٪). الگوی دموکراتیک به طرز ثابت و تقریباً به یک اندازه بر دیدگاه‌های وی در خصوص چهار جنبه نظام سیاسی غالب است؛ از این رو، با تخمین خوبی می‌توان گفت نظام فکری وی بر ارزش‌های اقتداری مبتنی است.

در گام بعد نتایج نشان می‌دهد تمام ارزیابی‌های وی فارغ از بنیان‌های ارزشی

دموکراتیک یا اقتداری‌شان منفی هستند. این وضعیت و این گونه ارزیابی از شرایط جامعه از سوی قزوینی، نارضایتی وی و فاصله میان آرمان‌شهر ذهنی او و شرایط موجود در واقعیت و جامعه را نشان می‌دهد. از این نظر، می‌توان موضعی انتقادی را به شرایط موجود استخراج کرد؛ فارغ از اینکه ارزیابی‌های وی در مغایرت با ارزش‌های استبدادی باشد (۶۹/۸٪) یا در تضاد با ارزش‌های دموکراتیک (۳۰/۱٪).

در رساله حرمت مشروطه نوشته شیخ فضل‌الله نوری که به واقع یکی از مهم‌ترین رساله‌های دوران مشروطه شمرده می‌شود، می‌توان به خوبی موضع‌گیری رهبر این جریان را درباره قانون به طور واضح مشاهده کرد. این رساله که در سال ۱۳۲۷ق نوشته شده، در واقع پاسخی مفصل به پرسشی است که از دلیل موافقت اولیه شیخ فضل‌الله و مخالفت و مهاجرت متعاقب او پرسیده شده است. این پرسش خواستار تصریح شیخ فضل‌الله در این امر است که:

آیا [اتخاذ این رویه (موافقت اولیه و مخالفت و مهاجرت متعاقب وی)] موجب شرعی و مقتضی مذهبی دارد و مشروطه را با قوانین قرآنی و موازین شریعت آسمانی مخالف [می‌بیند] یا آنکه انفعال و مخالفت موجب دیگری از عوارض عادی و دواعی اتفاقیه [دارد]؟ (شیخ فضل‌الله نوری، ۱۳۹۰: ۲۵۸).

پاسخ شیخ فضل‌الله را به این پرسش، که مشخصاً موضع هنجاری وی را در خصوص قانون مشروطه نیز مشخص می‌سازد، می‌توان به‌صراحت در بند نهایی رساله یافت:

و حاصل المرام^۱ این است که شبهه و ربیبی نماند که قانون مشروطه با دین اسلام حضرت خیرالانام - علیه آلاف التحیه و السلام - منافی است و ممکن نیست که مملکت اسلامی در تحت قانون مشروطگی بیاید، مگر به رفع ید از اسلام. پس اگر کسی از مسلمین سعی در این باب نماید که با مسلمانان مشروطه شویم، این سعی و اقدام در اضمحلال دین است و چنین آدمی مرتد است و احکام اربعه مرتد بر او جاری است؛ هر که باشد، از عارف یا عامی، از اولی‌الشوکه یا ضعیف (همان).

د) روشنفکران سازگار

کتابی شامل چهل شماره از روزنامه قانون نوشته میرزا ملکم خان به نمایندگی از این گروه



انتخاب شده است.

مجموع	وضع سیاسی مردم	سیاست‌ها و برنامه‌ها	نخبگان سیاسی	کلیت نظام سیاسی	سطوح نظام سیاسی	
					بنیان‌های ارزشی و ارزیابی هنجارهای آرمانی	
۶۱۶ ۹۷,۱٪	۱۲۲ ۱۹,۲٪	۹۶ ۱۵,۱٪	۱۹۳ ۳۰,۴٪	۲۰۵ ۳۲,۳٪	تعمیر هنجاری	
					دموکراتیک	اقتدارگرایانه
۱۸ ۲,۸٪	۰ ۰٪	۰ ۰٪	۸ ۱,۲٪	۱۰ ۱,۵٪		
۰ ٪	۰ ۰٪	۰ ۰٪	۰ ۰٪	۰ ۰٪	مثبت	تعمیر ارزیابانه
۱۷۱ ۱۰۰٪	۲۸ ۱۶,۳٪	۵۵ ۳۲,۱٪	۳۷ ۲۱,۶٪	۵۱ ۲۹,۸٪	منفی	
۰ ٪	۰ ۰٪	۰ ۰٪	۰ ۰٪	۰ ۰٪	مثبت	بنیان اقتداری
۰ ٪	۰ ۰٪	۰ ۰٪	۰ ۰٪	۰ ۰٪	منفی	
۸۰۵ ۱۰۰٪	۱۵۰ ۱۸,۶٪	۱۵۱ ۱۸,۷٪	۲۳۸ ۲۹,۵٪	۲۷۶ ۳۴,۲٪	مجموع	



سال بیست و یکم / شماره هشتمادو یکم / بهار ۱۳۹۷

آن گونه که از جدول برمی‌آید، بخش عمده تعابیر هنجاری ملکم خان در روزنامه‌اش (۹۷/۱٪) تحت عنوان ارزش‌های دموکراتیک دسته‌بندی می‌شوند. این الگو به طرز ثابت و تقریباً مشابه بر دیدگاه‌های وی راجع به چهار جنبه نظام سیاسی غالب است؛ از این رو، با تخمین خوبی می‌توان گفت نظام فکری وی دموکراتیک است.

نتایج نشان می‌دهد تمام ارزیابی‌های وی در قالب بنیان‌های ارزشی دموکراتیک او منفی هستند. به نظر یک نااهمخوانی در جدول دیده می‌شود؛ زیرا در حالی که در برخی موارد (۲/۸٪)، گزاره‌های هنجاری وی اقتداری هستند، اما در مقام ارزیابی، او ارزیابی

منفی خود را از وضعیت بر اساس ارزش‌های دموکراتیک بیان می‌کند. این مسئله را می‌توان این‌گونه تفسیر کرد که گرچه این دسته از روشنفکران به تفکر اقتدارگرایانه، پایبندی شخصی نداشتند، خیلی خوب فهمیده بودند بنیان هنجاری ایران اقتضا می‌کند برای همراهی با جامعه، باید به تعهد به برخی ارزش‌های اقتداری وانمود کرد. این وضعیت و این‌گونه ارزیابی از شرایط جامعه از سوی ملکم خان، نارضایتی وی و شکاف میان آرمان‌شهر ذهنی او را نشان می‌دهد که گونه‌ای جامعه دموکراتیک است؛ اما واقعیات موجود جامعه در آن زمان طبق نظر وی کاملاً اقتداری است. ناسازگاری مطلق ارزیابی او که در تعارض با بنیان ارزشی دموکراتیک وی قرار دارد، موضع اعتراضی وی را در خصوص شرایط آن زمان جامعه نشان می‌دهد.

مانیفست و تجلی موضع هنجاری این جریان را در خصوص قانون مشروطه، به بهترین شکل می‌توان در رساله یک کلمه میرزا یوسف‌خان مستشارالدوله یافت. از کنار هم قرار دادن بخش‌هایی از سخنان وی نیز می‌توان به روشنی دغدغه اصلی و پاسخ‌هایی را که او برای این مسئله ارائه می‌کند، بازشناخت:

اگرچه سبب این نظم و ترقیات و این آبادی [مغرب‌زمین] را از عدل می‌دانستم، ... و با اینکه بنیان دین اسلام بر عدل و انصاف است، ... پس چرا ما [مسلمانان] چنین عقب‌مانده [ایم] و چرا این‌طور از عالم ترقی خود را دورتر داشته‌ایم (تبریزی، ۱۳۸۶: ۲۱) چرا سایر ملل به چنان ترقیات عظیمه رسیده‌اند و ما در چنین حالت کسالت و بی‌نظمی باقی مانده‌ایم» (همان: ۲۳).

مستشارالدوله در قالب مکالمه‌ای خیالی «با یکی از دوستان که از تواریخ و احادیث اسلام اطلاع کامل داشت» (همان)، از زبان وی به پرسش بالا این‌گونه پاسخ می‌دهد: بنیان و اصول نظم فرنگستان، یک کلمه است و هر گونه ترقیات و خوبی‌ها در آنجا دیده می‌شود، نتیجه همان یک کلمه است (همان).

آن دوست خیالی که در واقع نماینده ایده‌های خود مستشارالدوله است، در جواب این پرسش که: «آن یک کلمه چیست؟ معنای آن را به من بیان کنید»، این‌گونه پاسخ می‌دهد:

آن یک کلمه را من می‌گویم و شما در رساله خود درج نمایید؛ ... یک کلمه که جمیع انتظامات فرنگستان در آن مندرج است، «کتاب قانون» است (همان: ۲۵).

هـ) روشنفکران ناسازگار

در اینجا از باب نمونه، مکتوبات کمال الدوله به قلم فتحعلی آخوندزاده را بررسی می‌کنیم.

مجموع	وضع سیاسی مردم	سیاست‌ها و برنامه‌ها	نخبگان سیاسی	کلیت نظام سیاسی	سطوح نظام سیاسی	
					بنیان‌های ارزشی و ارزیابی	هنجارهای آرمانی
۳۲۲ ۱۰۰٪	۷۳ ۲۲,۶٪	۶۰ ۱۸,۶٪	۹۴ ۲۹,۱٪	۹۵ ۲۹,۵٪	تعبیر هنجاری	
					دموکراتیک	اقتدارگرایانه
۰ ۰٪	۰ ۰٪	۰ ۰٪	۰ ۰٪	۰ ۰٪	مثبت	تعبیر ارزیابانه
۰ ۰٪	۰ ۰٪	۰ ۰٪	۰ ۰٪	۰ ۰٪	بنیان دموکراتیک (مشارکتی)	
۳۰۳ ۱۰۰٪	۸۶ ۲۸,۳٪	۷۴ ۲۴,۴٪	۸۷ ۲۸,۷٪	۵۶ ۱۸,۴٪	منفی	
۰ ۰٪	۰ ۰٪	۰ ۰٪	۰ ۰٪	۰ ۰٪	مثبت	
۰ ۰٪	۰ ۰٪	۰ ۰٪	۰ ۰٪	۰ ۰٪	بنیان اقتداری	منفی
۶۲۵ ۱۰۰٪	۱۵۹ ۲۵,۴٪	۱۳۴ ۲۱,۴٪	۱۸۱ ۲۸,۹٪	۱۵۱ ۲۴,۱٪	مجموع	



سال بیست و یکم / شماره هشادویکم / بهار ۱۳۹۷

طبق جدول، همه تعبیر هنجاری آخوندزاده در رساله‌اش تحت عنوان ارزش‌های دموکراتیک دسته‌بندی می‌شوند. این الگو به طرز ثابت و تقریباً مشابه بر دیدگاه‌های وی راجع به چهار جنبه نظام سیاسی غالب است؛ از این رو، با تخمین خوبی می‌توان گفت نظام فکری وی دموکراتیک است.

نتایج نشان می‌دهد همه ارزیابی‌های وی در قالب بنیان‌های ارزشی دموکراتیک او منفی هستند. این وضعیت و این گونه ارزیابی از شرایط جامعه از سوی آخوندزاده، نارضایتی وی و شکاف میان آرمان شهر ذهنی او را که جامعه‌ای کاملاً دموکراتیک است، با واقعیات

موجود جامعه در آن زمان که طبق نظر وی کاملاً استبدادی است، نشان می‌دهد. ناسازگاری مطلق ارزیابی او که در تعارض با بنیان ارزشی دموکراتیک وی قرار دارد، موضع اعتراضی وی را در خصوص شرایط آن زمان جامعه آشکار می‌سازد. در این جریان، کمتر موضع هنجاری متمایزی درباره سایر مشروطه‌خواهان مشاهده می‌شود؛ ولی آنچه قابل توجه است، تأکیدی است که میرزا آقاخان کرمانی در مکتوب سوم مکتوبات خود دارد که اعتبار حکومت را به قانون می‌داند:

به همان درجه و میزان که دیانت در طبیعت یک ملت مؤثر است، حکومت نیز مؤثر خواهد بود؛ زیرا که حکومت عبارت از قانون و سیاست دولتی است که ... (کرمانی، ۲۰۰۰م: ۳۰۱).

۹. نتیجه

نتایج نشان می‌دهد پنج گونه نظام فکری هنجاری مبتنی بر ارزش متناسب با جریان‌های نخبگانی آن زمان وجود دارد.

ارزیابی شرایط موجود	نظام فکری هنجاری مبتنی بر ارزش		بنیان‌های ارزشی و ارزیابی‌ها آثار مورد بررسی		جریان سیاسی
	اعتراضی	اقتداری			
انطباقی	*	۱۴۴۴	کثرت‌گرا	نخبه‌گرا	علمی سستی
-	*	*	-	-	
-	*	*	-	-	علمی مشروطه‌خواه
-	*	؟؟؟	-	-	
-	*	*	-	-	

۱. همان طور که در تحلیل‌های آثار مورد بررسی نیز اشاره شد، نمی‌توان اظهار نظر قطعی درباره مبنای ارزشی این نویسندگان بر اساس معیار دوگانه ارزشی - اقتداری ارائه کرد.



					تنبیه الامه و تنزیه المله	علمای مشروطه‌خواه
	*	-	*	-	رساله انصافیه	
	*	-	*	-	مکالمات حاجی آقا مقیم و مسافر	
	*	-	*	-	اللتالی المربوطه فی وجوب المشروطه	
	*	-	*	-	عروه الوثقی	
	*	-	*	-	یک کلمه	روشنفکران سازگار
	*	-	*	-	روزنامه قانون	
	*	-	*	-	سه مکتوب	روشنفکران ناسازگار
	*	-	*	-	مکتوبات کمال‌الدوله	

جدول: طبقه‌بندی چهارده متن تحلیل شده

«اعتراض»، عنصر مشترک همه انواع نظام‌های فکری نخبگان مطالعه‌شده است که تلویحاً به شرایط نارضایتی در نظام سیاسی اشاره دارد. با این حال، با در نظر گرفتن منشأهای ارزشی مختلف اعتراض و تفاسیر متفاوت معترضان از شرایط، می‌بینیم نظام‌های فکری هنجاری مختلف، راهبردهای اعتراضی متفاوتی ارائه کرده‌اند. راهبرد اعتراضی علمای سنتی، واپس‌گرایانه بود. راهبرد علمای مشروطه‌خواه، بازاندیشی بیرونی و نگاه بازتابی به تجدد، و راهبرد علمای مشروطه‌خواه، بازاندیشی درونی و نگاه بازتابی به خود بود. در میان روشنفکران نیز، سازگاران توجیه‌گرایی و ناسازگاران افراط را پیشه خود کرده بودند.

متغیرهای اعتراض جریان سیاسی	خاستگاه ارزشی اعتراض	تفسیر و درک معترض از وضعیت اعتراضی (مشروطه)	چشم انداز عملی اعتراض	استراتژی اعتراضی
علمای سنتی	شارع اسلام	مشروطه سراسر حرام، مخالف اسلام و عامل نابسامانی هاست.	اقتدار متمرکز	واپس گرایانه
علمای مشروطه خواه	شارع اسلام	مشروطه تا حدودی قابل قبول و سازگار با اسلام است و در برخی موارد تعارض ذاتی دارد.	(مشروع/ اقتدار دوقطبی)	بازاندیشانه (بیرونی)
علمای مشروطه خواه	شارع اسلام	آموزه های مشروطه، همان آموزه های اسلام است؛ مخالفان مشروطه مانع تراشان پیشرفت و عاملان نابسامانی ها هستند.	استقرار مشروطه	بازاندیشانه (درونی)
روشنفکران سازگار	ارزش های فرهنگی (تجددی)	توجیه این مطلب که ارزش های مشروطه (تجددی) و آموزه های اسلامی، انطباق تام دارند.	مشروطه لیبرال	توجیه گرایانه
روشنفکران ناسازگار	(ارزش های تجددی / ایران باستان)	آموزه های اسلامی - دینی مانع استقرار مشروطه، پیشرفت و ارزش های جدید هستند.	مشروطه لیبرال	رادیکالی

تفاوت مواضع اعتراضی جریان های مختلف سیاسی - فرهنگی

همان گونه که از جدول برمی آید، فهم علمای سنتی از شرایط زمانه آن بود که قانون اساسی، کلاً حرام و خلاف اسلام است. آنان قانون اساسی را عامل همه بحران های زمانه



خود می‌دانستند و به همین دلیل، راهبرد اعتراضی‌شان، واپس‌گرایانه و ارتجاعی می‌نمود. بهترین هدف متصور برای این جریان، نظامی سیاسی مبتنی بر حاکمیت متمرکز و اقتداری بود.

فهم علمای مشروعه‌خواه از شرایط زمانه این بود که قانون اساسی، پذیرفتنی و موافق با اسلام است و تنها در مواردی تعارض درونی میان این دو رخ می‌دهد. از این‌رو، راهبرد اعتراضی آنها، بازاندیشی بیرونی بود؛ بدین معنا که بازاندیشی باید بر داده‌ها و ظرفیت‌های داخلی نظام سیاسی متمرکز باشد. آنچه در آن زمان برای نظام سیاسی امری جدید به شمار می‌رفت، قانون اساسی و اقتضائات آن بود. بدین ترتیب، آنها ابتدا موضعی محافظه‌کارانه و سپس منفی در قبال مشروطه در پیش گرفتند. بهترین هدف متصور برای این جریان، نظامی سیاسی مبتنی بر حاکمیت دوگانه شاه و علما بود که در آن، به جای قانون اساسی، علما نقش کنترل‌کننده شاه را داشتند.

فهم علمای مشروطه‌خواه از شرایط زمانه این بود که می‌پنداشتند دکترین اسلام و مشروطه، یکی است و مخالفان مشروطه، عامل بحران و مانع پیشرفت هستند. از این‌رو، راهبرد اعتراضی آنها، بازاندیشی درونی بود؛ بدین معنا که بازاندیشی باید بر درون نظام سیاسی متمرکز باشد و قانون اساسی برای همین امر است و این امکان را فراهم می‌سازد. شرایط داخلی باید برای تأسیس قانون اساسی مساعد گردد و موانع درونی نظام سیاسی را بر سر راه قانون اساسی باید برداشت. بهترین هدف متصور برای این جریان، نظامی سیاسی مبتنی بر تدوین قانون اساسی بود.

فهم روشنفکران سازگار از شرایط زمانه این بود که فارغ از رابطه میان دکترین‌های مشروطه و اسلام، به دلیل بستر فرهنگی جامعه، باید این‌گونه وانمود کرد که گویا این دو، رابطه نزدیکی با هم دارند. از این‌رو، راهبرد اعتراضی آنان، نوعی توجیه‌گرایی بود؛ بدین معنا که نقش عمده نظام سیاسی و قانون اساسی، تظاهر به موافقت قانون اساسی با اسلام است. شرایط باید برای تدوین قانون اساسی مهیا شود؛ ولو به قیمت نادیده گرفتن برخی قسمت‌های قانون اساسی برای تظاهر به هماهنگی آن با اسلام. به همین دلیل، آنها کاملاً محافظه‌کارانه با قانون اساسی برخورد کردند. بهترین هدف متصور برای این جریان، نظام سیاسی لیبرال مبتنی بر قانون اساسی‌گزینی بود.

فهم روشنفکران ناسازگار از شرایط زمانه خود این بود که فارغ از چارچوب فرهنگ اسلامی جامعه، حضور آموزه‌های اسلامی، مخالف مشروطه و پیشرفت و ارزش‌های مدرن

است. از این رو، راهبرد اعتراضی آنها گونه‌ای افراط‌گرایی در برابر جامعه بود؛ بدین معنا که نقش عمده نظام سیاسی و قانون اساسی باید نسخ اسلام و کنار گذاشتن آن باشد. شرایط باید برای تدوین قانون اساسی مهیا شود؛ حتی اگر مردم در برابر آن مقاومت کنند. به همین دلیل، آنها موضعی کاملاً افراطی و تند در برابر اسلام اتخاذ کردند. بهترین هدف متصور برای این جریان، نظام سیاسی لیبرال فارغ از شرایط و مبتنی بر قانون اساسی سکولار بود.

چنین تبیینی از شرایط در عصر مشروطه، نشان می‌دهد خروجی این شرایط، غلبه ناهنجاری و آنومی هنجارین است. هیچ نظام فکری هنجاری خاصی بر دیگران تفوق ندارد و نمی‌تواند آنها را کنترل کند. چنین شرایطی تا حد زیادی می‌تواند توضیح دهد چرا هیچ‌یک از چارچوب‌های حقوقی ذکر شده (سلطنت و مشروطه)، نتوانستند شرایط پایدار اجتماعی را ایجاد و از آن حمایت کنند و بیشتر اهداف قانون اساسی و دوران مشروطه، بدون تحقق باقی ماند.

منابع

- آجودانی، لطف‌الله (۱۳۸۶)، روشنفکران ایران در عصر مشروطیت، تهران: انتشارات اختران.
- _____ (۱۳۸۳)، *علما و انقلاب مشروطیت ایران*، تهران: انتشارات اختران.
- آخوندزاده، فتحعلی (بی‌تا)، «مکتوبات کمال‌الدوله»، بی‌جا: بی‌نا.
- آلموند، گابریل و جی. بینگهام پاول (۱۳۷۵): «جامعه‌پذیری سیاسی و فرهنگ سیاسی»، ترجمه علیرضا طیب، اطلاعات سیاسی - اقتصادی، شماره ۱۱۴-۱۱۳.
- اینگلهارت، رونالد (۱۳۷۳)، *تحول فرهنگی در جامعه پیشرفته صنعتی*، ترجمه مریم وتر، تهران: انتشارات کویر.
- _____ و کریستین ولزل (۱۳۸۹)، *نوسازی، تغییر فرهنگی و دموکراسی*، ترجمه یعقوب احمدی، تهران: انتشارات کویر.
- بهار، محمدتقی (۱۳۷۸)، *تاریخچه‌ای از احزاب سیاسی ایران: انقراض قاجار*، تهران: انتشارات امیرکبیر.
- پای، لوسین (۱۳۷۰)، «فرهنگ سیاسی و توسعه سیاسی»، ترجمه مجید محمدی، نامه فرهنگ، سال ۲، شماره ۱ و ۲.
- تاجداری، علیرضا (۱۳۸۶)، *منشأهای اجتماعی و گفتمان‌های نیروهای سیاسی در انقلاب اسلامی و مشروطه*، پایان‌نامه دکتری جامعه‌شناسی، دانشگاه علامه طباطبائی.
- تبریزی، محمدحسین بن علی اکبر (۱۳۹۰)، «کشف‌المراد من المشروطه و الاستبداد»، در: *رسایل مشروطیت؛ مشروطه به روایت موافقان و مخالفان*، به کوشش غلامحسین زرگری‌نژاد، تهران: مؤسسه تحقیقات و توسعه علوم انسانی.
- تبریزی، میرزا یوسف‌خان (۱۳۸۵)، *یک کلمه*، به اهتمام علیرضا دولت‌شاهی، تهران: انتشارات بال.
- جلی، سید میرصالح (۱۳۹۰)، *تحلیل جامعه‌شناختی جریان‌های روشنفکری در ایران*، قم: موسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی.
- جمال‌زاده، ناصر (۱۳۷۶)، «اندیشه سیاسی علمای شیعه در زمینه مشروطه خواهی (از جنبش تحریم تنباکو تا به توپ بسته شدن مجلس [۱۲۸۷-۱۲۷۰ / ۱۸۹۱-۱۹۰۸])»، *پایان‌نامه کارشناسی ارشد علوم سیاسی دانشگاه تربیت مدرس*.
- _____ (۱۳۷۷ الف)، «تنوع گفتمانی علمای شیعه در آغاز استیلای مغولان»، *مجله پژوهشی*



دانشگاه امام صادق علیه السلام، شماره ۶ و ۷.

- (۱۳۷۷ب)، «تنوع گفتمانی علمای شیعه در عصر مشروطیت»، مجله پژوهشی دانشگاه امام صادق علیه السلام، شماره ۸.

- زرشناس، شهریار (۱۳۸۳)، نگاهی کوتاه به تاریخ روشنفکری در ایران: ظهور روشنفکری در ایران و نسل اول روشنفکران در دوره مشروطه، تهران: کتاب صبح.

- زرگری نژاد، غلامحسین (۱۳۹۰)، رسایل مشروطیت؛ مشروطه به روایت موافقان و مخالفان، تهران: مؤسسه تحقیقات و توسعه علوم انسانی.

- شهیدی قزوینی، حاجی میرزا ابوتراب (۱۳۹۰)، «تذکره الغافل و ارشاد الجاهل»، در: رسایل مشروطیت؛ مشروطه به روایت موافقان و مخالفان، به کوشش غلامحسین زرگری نژاد، تهران: مؤسسه تحقیقات و توسعه علوم انسانی.

- علینقی، ذبیح زاده (۱۳۸۲)، رهبران مذهبی در انقلاب مشروطه ایران، قم: مؤسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی.

- غروی محلاتی، شیخ محمداسماعیل (۱۳۹۰)، «اللئالی المربوطه فی وجوب المشروطه»، در: رسایل مشروطیت؛ مشروطه به روایت موافقان و مخالفان، به کوشش غلامحسین زرگری نژاد، تهران: مؤسسه تحقیقات و توسعه علوم انسانی.

- کاشانی، حاج ملاعبدالرسول (۱۳۹۰)، «رساله انصافیه»، در: رسایل مشروطیت؛ مشروطه به روایت موافقان و مخالفان، به کوشش غلامحسین زرگری نژاد، تهران: مؤسسه تحقیقات و توسعه علوم انسانی.

- کرمانی، میرزا آقاخان (۲۰۰۰م)، سه مکتوب، با مقدمه و ویرایش بهرام چوبینه، اسن آلمان: نیما ورلاگ.

- کسروی، احمد (۱۳۳۰)، انقلاب مشروطه ایران، تهران: نشر صدای معاصر.

- مریچی، شمس الله (۱۳۸۶)، «شناخت جریانات روشنفکری در ایران»، مجله سیاست، شماره ۳۷.

- مزینانی، محمدصادق (۱۳۸۹)، تمایزات مشروطه خواهی غرب گرا و دینی (و تقارن آن با انقلاب اسلامی ایران)، قم: بوستان کتاب.

- نائینی، میرزا حسین (۱۳۸۷)، تنبیه الامه و تنزیه المله، به کوشش روح الله حسینیان، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.

- ناظم الدوله، میرزا ملکم خان (۱۳۶۹)، روزنامه قانون، تهران: انتشارات کویر.





- نامدار، مظفر (۱۳۸۳)، «نسبت جریانات فکری انقلاب مشروطه با مدرنیته»، مجله آموزش، شماره ۶.
- نجفی، موسی (۱۳۸۰)، «رویکرد تطبیقی به افکار اصلاحی عصر مشروطه و نسبت آن با جامعه امروز ایران»، مجله اندیشه حوزه، شماره ۲۸.
- نجفی اصفهانی، حاج آقا نورالله (۱۳۹۰)، «مکالمات حاجی آقای مقیم و مسافر»، در: رسایل مشروطیت؛ مشروطه به روایت موافقان و مخالفان، به کوشش غلامحسین زرگری نژاد، تهران: مؤسسه تحقیقات و توسعه علوم انسانی.
- نجفی مرندی دولت آبادی، شیخ ابوالحسن (۱۳۹۰)؛ «رساله دلایل البراهین الفرقان فی بطلان القوانين نواسخ محکومات القرآن»، در: رسایل مشروطیت؛ مشروطه به روایت موافقان و مخالفان، به کوشش غلامحسین زرگری نژاد، تهران: مؤسسه تحقیقات و توسعه علوم انسانی.
- نوری، شیخ فضل الله (۱۳۹۰)، «رساله حرمت مشروطه»، در: رسایل مشروطیت؛ مشروطه به روایت موافقان و مخالفان، به کوشش غلامحسین زرگری نژاد، تهران، مؤسسه تحقیقات و توسعه علوم انسانی.
- _____ (۱۳۶۲)، لویح آقا شیخ فضل الله، به اهتمام هما رضوانی، تهران: تاریخ ایران.
- هاشم زهی، نوروز (۱۳۸۶)، شرایط اجتماعی و الگوهای روشنفکری در آستانه دو انقلاب معاصر ایران، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- Hydén, Håkan (2004), *about the relationship between norms and rules: Compendium in sociology of law*, Department of Sociology of Law, Lund University.